

به نام خدا

شهرسازی و مدیریت شهری

رویکردهای جدید در برنامه‌ریزی و توسعه شهری

مؤلفان :

جعفر نصیری المه‌جق

نعیمه ظهوریان رحمانی

فتاح رواقی

مهدی روانان

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب‌رسان موجود می‌باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه: نصیری الهه جق، جعفر، ۱۳۵۸
عنوان و نام پدیدآورندگان: شهرسازی و مدیریت شهری، رویکردهای جدید در برنامه‌ریزی و توسعه شهری / مولفان جعفر نصیری الهه جق، نعیمه ظهوریان رحمانی، فتاح رواقی، مهدی روانان
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۱۱۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۲۵۱-۶
شناسه افزوده: ظهوریان رحمانی، نعیمه، ۱۳۶۱
شناسه افزوده: رواقی، فتاح، ۱۳۶۳
شناسه افزوده: روانان، مهدی، ۱۳۶۱
وضعیت فهرست نویسی: فیفا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: شهرسازی - مدیریت شهری - برنامه‌ریزی و توسعه شهری
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳
رده بندی دیویی: ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۳۷۶۱۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا

نام کتاب: شهرسازی و مدیریت شهری، رویکردهای جدید در برنامه‌ریزی و توسعه شهری
مولفان: جعفر نصیری الهه جق - نعیمه ظهوریان رحمانی - فتاح رواقی - مهدی روانان
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایشی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۶۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۲۵۱-۶
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

مقدمه	۵
بخش اول: مبانی شهرسازی و مدیریت شهری	۷
فصل اول: تاریخچه و نظریه‌های شهرسازی علمی	۷
فصل دوم: اصول و مفاهیم کلیدی مدیریت شهری	۱۷
فصل سوم: نقش سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در توسعه شهری	۲۷
فصل چهارم: برنامه‌ریزی هوشمند و فناوری‌های نوین در شهرسازی	۳۷
فصل پنجم: توسعه پایدار و رویکردهای سبز در شهرسازی	۴۷
فصل ششم: شهرهای قابل انعطاف و مقاوم در برابر بحران‌ها	۵۷
بخش سوم: چالش‌ها و فرصت‌های نوین در مدیریت و توسعه شهری	۶۷
فصل هفتم: مدیریت مشارکتی و جامعه‌محور در برنامه‌ریزی شهری	۶۷
فصل هشتم: نقش داده‌کاوی و فناوری‌های دیجیتال در بهبود مدیریت شهری	۷۷
فصل نهم: توسعه اقتصادی و اصلاح ساختارهای مدیریتی در شهرها	۸۷
فصل دهم: آینده‌پژوهی و مدل‌های نوین توسعه شهری	۹۷
منابع	۱۰۷

مقدمه

در دهه‌های اخیر، توسعه و شهرسازی به عنوان دو حوزه مهم و اثرگذار در شکل‌گیری بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جوامع بشری، دچار تحولات قابل توجهی شده است. تغییرات سریع در فناوری‌های نوین، روندهای جهانی‌سازی، نیاز به پایداری و حفظ محیط زیست و همچنین تمرکز بر عدالت اجتماعی، سبب شده است که رویکردهای نوین در برنامه‌ریزی و توسعه شهری نقش محوری را در شکل‌دهی به فضاهای شهری ایفا نمایند. این رویکردها نه تنها بر ساماندهی بهتر فضاهای شهری تمرکز دارند، بلکه به دنبال پاسخ‌دهی به چالش‌های متنوعی مانند توسعه پایدار، مدیریت منابع، حاکمیت‌پذیری، مشارکت‌مردم و بهبود کیفیت زندگی شهروندان هستند.

در این راستا، نگرش‌های نوین در برنامه‌ریزی شهری، مبتنی بر مفاهیم چندبعدی و چندسطحی بوده و به شیوه‌های مختلف نظیر برنامه‌ریزی جامع، منطقه‌ای و راهبردی، تلاش می‌کنند تا پایداری و کارآمدی سیستم‌های شهری را تضمین نمایند. علاوه بر این، رویکردهای مدرن بر اهمیت مشارکت فعال شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری، بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال و روش‌های نوین مدیریتی، تأکید دارند. حرکت از مدل‌های سنتی و متمرکز به سمت رویکردهای تعاملی و مبتنی بر همکاری، بر بهبود کارایی و پاسخگویی در شهرها تأکید می‌ورزد. این رویکردها، با تمرکز بر تنوع نیازها و حفاظت از هویت فرهنگی و طبیعی شهرها، سعی در ایجاد محیط‌های شهری مقاوم و منعطف دارند که در مقابل تهدیدهای محیطی و اقتصادی، پایداری و رشد متعادل شهرها را تضمین می‌کنند.

در عرصه توسعه شهری، مفاهیمی مانند شهرهای هوشمند، شهرهای سبز و شهرهای مشارکتی به عنوان شاخص‌های کلیدی مطرح شده‌اند. این مفاهیم بر بهره‌برداری بهینه از فناوری، کاهش اثرات منفی بر محیط‌زیست و تقویت مشارکت عمومی تمرکز دارند. همچنین، بررسی روندهای جهانی و تطابق آن‌ها با بستر فرهنگی و اجتماعی هر منطقه، ضرورت توجه به رویکردهای محلی و بومی در برنامه‌ریزی و توسعه شهرها را آشکار ساخته است. در پایان، باید توجه داشت که رویکردهای نوین تنها ابزارهایی برای اصلاح ساختارهای شهری نیستند، بلکه مسیرهایی هستند

برای ایجاد فضاهای زنده، کارآمد و همراه با همبستگی اجتماعی که رفاه و آسایش شهروندان را تضمین نمایند.

در مجموع، می‌توان گفت که توسعه و برنامه‌ریزی شهری در چارچوب رویکردهای جدید، نیازمند تلفیقی هوشمندانه از فناوری، سیاست‌گذاری، مشارکت فعال مردم و حفظ ملاحظات زیست‌محیطی است. این رویکردها، در کنار توجه به اهداف اقتصادی و اجتماعی، می‌توانند آینده‌ای پایدار و بهتر برای ساکنان شهرها رقم زنند، شهری که هم از نظر کارایی و هم از منظر انسجام فرهنگی و زیست‌محیطی، پاسخگوی نیازهای نسل حاضر و آینده باشد.

بخش اول

مبانی شهرسازی و مدیریت شهری

فصل اول

تاریخچه و نظریه‌های شهرسازی علمی

تحولات نظریه‌های شهرسازی از دوره سنتی تا دوره مدرن به صورت تدریجی و متأثر از عوامل متعددی شکل گرفته است. در آغاز، دیدگاه‌های سنتی بر اصل تمرکز بر قالب‌های تاریخی و فرهنگی و حفظ انسجام فضایی و هنجارهای فرهنگی تأکید داشتند. این رویکرد بر نقش شکل‌گیری شهرها بر اساس میراث فرهنگی و نیازهای اجتماعی متمرکز بود، و در نتیجه، شهرسازی در این دوره بیشتر بر حفظ عناصر تاریخی و فرهنگ محلی استوار بود. در این زمان، شهرها غالباً بر پایه عناصر طبیعی و معماری محلی شکل می‌گرفتند و عناصر نوآورانه کمتر وارد عرصه طراحی شهری می‌شدند.

با ورود به دوره مدرن، تغییرات اساسی در نظریه‌های شهرسازی پدید آمد. یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار، انقلاب صنعتی و تحولات اقتصادی ناشی از آن بود. این تحولات منجر به شهرهای بزرگ صنعتی شد که نیازمند فضاهای گسترده، زیرساخت‌های جدید و برنامه‌ریزی کارآمد بودند. در نتیجه، نظریه‌های اولیه بر اساس اصول فضاهای همسایگی، کارایی و تقسیم‌بندی فعالیت‌ها به وجود آمدند؛ از جمله نظریه‌های فاضل، میدان، تراکم و شبکه. مفهوم "شهر اصولی" شکل گرفت که بر اصول منطقی و کارآمدسازی نظم فضایی تأکید داشت. علاوه بر آن، تاثیر فناوری‌های نوین و توسعه حمل‌ونقل نقشی کلیدی در شکل‌گیری نظریه‌های نوین داشتند، زیرا توانستند محدودیت‌های فضایی و زمانی در شهرها را کاهش دهند و امکان طراحی ساختارهای بهتر و متناسب‌تر را فراهم کنند.

در دهه‌های بعد، نظریه‌های شهرسازی با تمرکز بر مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، رویکردهای جامع و زمینه‌محور را توسعه دادند. مفاهیمی مانند شهرهای پایدار، شهرهای نمونه‌گذاری، مفهوم توسعه پایدار و رویکردهای چندبعدی در برنامه‌ریزی شهری پدید آمدند. این دیدگاه‌ها، شهرها را به عنوان سیستم‌های پیچیده و چندبعدی تلقی می‌کردند که باید با رعایت استانداردهای زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی همزمان توسعه یابند. در نتیجه، نظریه‌های جدید بر مفهوم سازگاری میان فضای ساخته شده و محیط طبیعی تأکید دارند و اثرات منفی توسعه شهری مانند آلودگی، فشار بر منابع طبیعی و نابرابری اجتماعی را کاهش می‌دهند.

عوامل اصلی این تحولات به چند دسته عمده تقسیم می‌شوند: پیشرفت‌های فناوری و ابزارهای برنامه‌ریزی، تغییر نگرش‌ها نسبت به نقش شهرها در توسعه بشر، نگرانی‌های روز افزون در حوزه محیط زیست و محرک‌های اقتصادی و سیاسی که نیازمند اصلاحات در سیاست‌های شهری بودند. همچنین، افزایش آگاهی نسبت به مسائل اجتماعی، عدالت و مشارکت عمومی نیز نقش مهمی در تغییر و تدوین نظریه‌های جدید ایفا کرد، به طوری که شهرسازی اکنون علاوه بر دیدگاه‌های فنی، چارچوب‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز در نظر می‌گیرد.

این روند جامع، شهرسازی را از تمرکز صرف بر ساختار فضایی و شکل ظاهری به سمت نگاهی کامل‌تر و پایدارتر هدایت کرده است، به گونه‌ای که توسعه شهری امروز در گذر از نظریه‌های اولیه، نیازمند رویکردهای میان‌رشته‌ای و تلفیق دیدگاه‌های مختلف است.

نقش نظریه‌های شهرنشینی، شهرسازی و توسعه شهری در شکل‌گیری مفهوم شهرهای امروزی از اهمیت حیاتی برخوردار است، چراکه این نظریه‌ها مبنای ایده‌آل‌ها، راهبردها و سیاست‌های اجرایی در عرصه مدیریت شهری قرار می‌گیرند. نحوه تحول و تطور این نظریه‌ها تأثیر مستقیم بر طراحی، برنامه‌ریزی و اداره شهرهای معاصر داشته است و مسیرهای نوینی را در جهت توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و بهره‌وری اقتصادی هموار ساخته‌اند.

در گام نخست، نظریه‌های شهرنشینی که بر فاکتورهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تمرکز دارند، مبنای درک نحوه تغییر و تحولات جمعیتی، نیازهای فضاهای زندگی و تعاملات اجتماعی در سطح شهری را فراهم کرده‌اند. این نظریه‌ها، درک ما از چگونگی رفتار و انگیزه‌های ساکنان شهر را تعمیق بخشیدند و بر اهمیت دگرگونی‌های فرهنگی، هویتی و محیطی در توسعه شهرهای

امروزی تاکید نمودند. به عنوان نمونه، نظریه‌های مربوط به مهاجرت، شهرهای چندفرهنگی و فرآیندهای گسترش فضایی، روند شکل‌گیری فضاهای شهری چندعنصری و متمایز را تبیین کرده‌اند.

در حوزه شهرسازی، نظریه‌هایی مانند نظریه‌های ساختاریکاربردی، نظریه‌های طراحی فضایی و نظریه‌های مبتنی بر توسعه کارآیی، ابزاری برای تدوین راهبردهای عملیاتی در اختیار مدیران و طراحان قرار داده‌اند. این نظریه‌ها بهبود کارایی فضاهای عمومی، ارتقاء کیفیت زندگی، تقویت هماهنگی در ساختارهای فضایی و افزایش انعطاف‌پذیری در پاسخ به تغییر نیازهای جامعه را هدف قرار داده‌اند. همچنین، توسعه فناوری‌های نوین در حوزه معماری و شهرسازی، راهکارهای نوینی برای مواجهه با چالش‌های شهرهای امروزی، همچون تراکم، آلودگی و بحران‌های زیست‌محیطی، ارائه کرده است.

در کنار این، نظریه‌های توسعه شهری نقش حیاتی در تبیین و عملیاتی‌سازی مفاهیم توسعه پایدار و شهرهای هوشمند را ایفا می‌کنند. توسعه پایدار، مفهومی است که در دهه‌های اخیر به عنوان راهبردی اساسی در طراحی شهرهای معاصر مطرح شده است. این نظریه‌ها، بر حفظ منابع طبیعی، کاهش اثرات منفی فعالیت‌های انسانی و ارتقاء عدالت اجتماعی تأکید دارند و تمرکز بر رویکردهای تلفیقی و چندبخشی در برنامه‌ریزی شهری را ضروری می‌دانند. از این رو، مفهوم شهرهای امروزی به سمت مدل‌هایی حرکت کرده است که به جای تمرکز بر فضاهای فیزیکی، بر سیستم‌های هوشمند، ارتباطات فضایی، زیرساخت‌های سبز و مشارکت فعال شهروندان تأکید دارند.

علاوه بر آن، نظریه‌های شهرنشینی و شهرسازی در شکل‌گیری مفاهیم جدید مانند شهرهای ناحیه‌ای، شهرهای چندمرکزی و شهرهای مبتنی بر فناوری نقش فعال ایفا کرده‌اند. این نظریه‌ها چارچوب‌هایی ارائه داده‌اند که بتوانند نمونه‌ای از توسعه متوازن، عدالت فضایی و پاسخگویی به نیازهای جمعیتی در حوزه‌های مختلف را فراهم سازند. بنابراین، می‌توان گفت که این نظریه‌ها، در اصلاح نگرش به مدیریت شهری و ترسیم مسیر توسعه‌ای آینده نقش کلیدی دارند، به گونه‌ای که شهرهای امروزی به عنوان سیستم‌های هماهنگ و تابعی از هماهنگی میان ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد تصور قرار می‌گیرند.

در نتیجه، می‌توان گفت که نظریه‌های شهرنشینی، شهرسازی و توسعه شهری، پایه‌های نظری و عملیاتی برای شکل‌گیری مفهوم شهرهای امروزی را بنا نهاده‌اند، و حرکت‌های گسترده در این حوزه‌ها، زمینه‌ساز گسترش نمونه‌های شهری مقاوم، پایدار ترو و پاسخگو به چالش‌های عصر حاضر شده است.

مفاهیم توسعه پایدار و شهرهای هوشمند به عنوان دو محور اساسی در تحول نظری و عملی برنامه‌ریزی شهری، تاثیر عمیق و چندوجهی بر ساختارهای مدیریتی و استراتژیک شهرهای معاصر داشته‌اند. این مفاهیم موجب تجدیدنظر در رویکردهای گذشته، توجه ویژه به محیط زیست، بهره‌وری منابع و مشارکت فعال شهروندان شده‌اند و در کنار آن، زمینه توسعه راهبردهای نوین، فناوری‌های نوین و روش‌های جامع در عرصه مدیریت شهری را فراهم نموده‌اند.

در ابعاد نظری، توسعه پایدار به عنوان چارچوبی چندبعدی، بر اهمیت توسعه اقتصادی، رعایت عدالت اجتماعی و حفظ محیط‌زیست تأکید می‌ورزد. این دیدگاه، فرضیه‌های سنتی تمرکز بر رشد سریع و صرفاً اقتصادی را مورد سؤال قرار داده و نیازمند نگرشی تلفیقی و متوازن شده است. نظریه‌های مربوط به توسعه پایدار، مفاهیمی همچون پیوندهای میان اکوسیستم‌ها، مدیریت منابع، و نقش شهروندان را برجسته ساخته‌اند و پیشنهاد می‌دهند که شهرهای آینده باید سیستم‌هایی همچون فضای سبز، حمل‌ونقل سبز، و زیرساخت‌های مقاوم در مقابل تغییرات اقلیمی را به‌گونه‌ای پیاده‌سازی کنند که منافع اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی همزمان تامین شود.

از منظر عملیاتی، برنامه‌ریزی و طراحی شهرهای پایدار مبتنی بر اصولی مانند کاهش مصرف منابع، بهینه‌سازی مصرف انرژی، توجه به طراحی فضاهای عمومی، و توسعه اقتصادی از طریق فناوری‌های نوین است. برای نمونه، ادغام طرح‌های سبز در بافت شهری، توسعه سامانه‌های حمل‌ونقل هوشمند و کارآمد، و به‌کارگیری فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) در مدیریت شهری، نمونه‌های بارزی از تجلی این مفاهیم در عمل است. این اقدامات، نه تنها کارایی و پایداری فضاهای شهری را ارتقا می‌دهند، بلکه با تقویت مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، به سمت شهری پویا و پاسخگو هدایت می‌کنند.

در کنار توسعه پایدار، مفهوم شهر هوشمند بر بهره‌گیری مؤثر از فناوری‌های دیجیتال، داده‌های بزرگ، اینترنت اشیاء و سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی تأکید دارد. این مفاهیم، ارتباط مستقیم با بهبود کیفیت خدمات شهری، افزایش بهره‌وری مدیریت منابع، و ارتقاء سطح دسترسی و مشارکت شهروندان دارند. در قالب نظریات، این رویکردها بر اصل همگرایی فناوری، داده‌محور بودن برنامه‌ریزی، و انعطاف‌پذیری ساختارهای مدیریتی تأکید دارند. برنامه‌های عملیاتی برای توسعه شهرهای هوشمند شامل نصب زیرساخت‌های ارتباطی قوی، پیاده‌سازی سامانه‌های مدیریت ترافیک و پسماند، و توسعه شبکه‌های حساس به داده‌های بلادرنگ است که در نهایت منجر به کاهش مصرف انرژی، کاهش آلودگی، ارتقاء امنیت و خدمات‌رسانی موثرتر می‌شود.

همچنین، تعامل میان مفاهیم توسعه پایدار و شهرهای هوشمند، منجر به بروز ایده‌هایی نوین در مورد کلان‌شهرهای آینده شده است که در آن فناوری‌های پیشرفته و رویکردهای زیست‌محیطی و اجتماعی در کنار هم راهکارهای جامع، پایدار و پاسخگو ارائه می‌دهند. این تلفیق، نویدبخش توسعه شهرهایی است که فرصت‌های اقتصادی و تمامیت زیست‌محیطی، در کنار عدالت اجتماعی، به طور همزمان تأمین می‌گردد. از این رو، می‌توان گفت که این مفاهیم بر ساختارهای نظری برنامه‌ریزی، رویکردهای اجرایی، و فرهنگ مدیریتی در حوزه مدیریت شهری تأثیرگذار بوده و در گسترش مفهوم شهرهای آینده، نقش حیاتی ایفا می‌کنند.

رویکردهای چندسطحی و چندحوزه‌ای در تحلیل و مدیریت فرآیندهای شهرسازی و توسعه شهری نقش حیاتی و اساسی دارند، چرا که شهرها در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی همزمان در حال تحول هستند و این عوامل به طور پیچیده و متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. چنین رویکردهایی به عنوان روش‌های تحلیلی و عملیاتی، امکان فهم عمیق‌تر و جامع‌تر از ساختارهای چندبعدی شهرهای معاصر را فراهم می‌آورند و مانع از تقلیل‌گرایی و ناپایدار کردن برنامه‌ریزی‌های شهری می‌شوند.

در سطح نظری، رویکرد چندسطحی بر اهمیت نگاه جامع و هم‌پوشان به اشکال مختلف تأثیرگذاری سیاست‌ها، نهادها و فرآیندهای توسعه در سطوح متفاوت تأکید می‌کند. این رویکرد، فرضیه تمرکز صرف بر سیاست‌های محلی یا ملی را کنار می‌گذارد و به جای آن، تمامی لایه‌های تأثیرگذار در قالب شبکه‌های نهادین، اقتصادی، فنی و اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌دهد. از این

طریق، می‌تواند اثرات متقابل میان سطح کلان و سطح خرد، مانند تاثیر سیاست‌های ملی بر برنامه‌ریزی‌های محلی و برعکس، را مدنظر قرار داده و راهکارهای موثر و سازگار با زمینه‌های خاص هر سطح ارائه دهد.

در بعد عملی، رویکرد چندحوزه‌ای امکان شناسایی و مدیریت مسائل پیچیده را فراهم می‌کند. برای نمونه، مدیریت پایداری شهری نیازمند تلفیق حوزه‌های متنوعی مانند حمل‌ونقل، معماری، محیط‌زیست، فناوری اطلاعات، اقتصاد و عدالت اجتماعی است. آگاهی از نقش هر حوزه و نحوه ارتباط میان آن‌ها، به طراحان و مدیران شهری کمک می‌کند تا راهکارهای جامع، هماهنگ و پایدار را توسعه دهند که توان پاسخگویی به چالش‌های چندجانبه را داشته باشند. در این راستا، استفاده از مدل‌های چندمعیاره، سیستم‌های تصمیم‌سازی تعاملی و بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال - مانند تحلیل‌های شبکه‌ای و سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی - از جمله ابزارهای عملیاتی این رویکرد هستند.

همچنین، رویکرد چندسطحی و چندحوزه‌ای به تثبیت رویکردهای دموکراتیک، مشارکت فعال شهروندان و تعامل بین ذینفعان مختلف کمک می‌کند. این امر، در فرآیندهای ساخت شهرهای پاسخگو و انعطاف‌پذیر اهمیت دارد، چرا که تصمیمات و سیاست‌ها باید در سطوح مختلف و از طریق مشارکت واقعی به صورت هم‌افزا به اجرا برسند. لذا، گسترش این نوع رویکردها، توسعه پرسشگری انتقادی، توانمندسازی نهادهای غیردولتی و تعمیق همکاری‌های میان رشته‌ای را در مسیر تحقق توسعه پایدار و شهرهای هوشمند تسهیل می‌نماید.

در نتیجه، اهمیت رویکردهای چندسطحی و چندحوزه‌ای در شهرسازی و توسعه شهری، به خاطر مدیریت فعال و موثر پیچیدگی‌های ساختاری، بهبود کیفیت زندگی، بهره‌وری منابع و پاسخگویی بهتر به نیازهای متنوع و گوناگون شهروندان است، که نهایتاً منجر به پایداری و انعطاف‌پذیری شهرهای آینده می‌شود. این رویکرد، بستر برای طراحی استراتژی‌هایی فراهم می‌آورد که بتوانند در مواجهه با تغییرات سریع محیطی، اقتصادی و اجتماعی، پاسخگو و پویا باقی بمانند.

نظریه‌های فضا‌زمان و تعاملات انسانی فضایی نقش بنیادین و اساسی در فرآیند شکل‌گیری و تحول نظریات جدید در حوزه شهرسازی ایفا می‌کنند، چرا که فهم ساختارهای فضایی و رفتارهای انسانی در بستر زمانی و مکانی، به صورت مستقیم بر نحوه طراحی، مدیریت و توسعه مراکز شهری

تاثیر می‌گذارد. در واقع، این نظریه‌ها چارچوب نظری و تحلیلی را فراهم می‌آورند که توجه به دینامیک‌های پیچیده فضا و زمان را در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های شهری تسهیل می‌کند.

نظریه‌های فضازمان، به عنوان رهیافت‌های چندرشته‌ای، بر این فرض استوارند که فضا و زمان درون یک شبکه پیچیده از روابط به هم پیوسته قرار دارند، که این روابط بر عناصر شهری، برای نمونه توزیع فعالیت‌ها، الگوهای رفت و آمد، مکان‌های تجمع و بهره‌برداری‌های اقتصادی تأثیرات متقابل می‌گذارند. در این دیدگاه، فهم عمیق‌تر از روندهای فضازمان، امکان تحلیل عوامل موضعی و فراپایدار در توسعه شهری را فراهم می‌آورد و می‌تواند به شکل‌گیری نظریه‌های راهبردی و عملیاتی برای مدیریت و طراحی شهری کمک کند.

در حوزه نظری، نظریه‌های فضازمان، تأکید بر اهمیت درک گردش و تغییرات مکانی در ارتباط با تحولات زمانی دارند و این نکته را در نظر می‌گیرند که عملکردهای فضایی در طول زمان، شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی و اقتصادی را جهت‌گیری و تسهیل می‌کنند. برای نمونه، مفهوم "پویایی‌های فضازمان" در تحلیل توسعه‌های شهری، مناطق مرکزی و پیرامونی، و روندهای پراکنده‌سازی یا تمرکز، در توسعه نظریات نوین شهرسازی راهنمای مهمی محسوب می‌شود. این رویکردها، تبیین می‌کنند که چگونه فرآیندهای انسانی مانند جابه‌جایی، تجارت و تعاملات اجتماعی در بستر زمانی‌فضایی، مسیر تغییرات فضایی را شکل می‌دهند و در نتیجه، نظریات شهرسازی باید همزمان این دینامیک‌ها را در طراحی و استراتژی‌های توسعه لحاظ کنند.

در سطح عملی، این نظریه‌ها ابزارهای قدرتمندی چون تحلیل‌های فضازمان، مدل‌سازی‌های دینامیکی، و سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) را برای تحلیل روندهای شهری فراهم می‌سازند. به عنوان نمونه، با بهره‌گیری از این ابزارها، می‌توان الگوهای رفت‌وآمد، فعالیت‌های اقتصادی و توزیع جمعیت را در قالب مسیرهای فضازمان مدل‌سازی کرد و بر اساس تحلیل‌های انجام شده، سیاست‌های طراحی فضاهای عمومی، محلات و نواحی تجاری را توسعه داد. همچنین، رویکردهای فضازمان و تعاملات انسانی‌فضایی، در مدیریت بحران‌های شهری، برنامه‌ریزی حمل‌ونقل، و توسعه فضاهای چندمنظوره نقش مهمی ایفا می‌کنند، چرا که درک صحیح از رابطه زمانی و مکانی فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری، از عوامل کلیدی در ایجاد عملکرد مناسب و انعطاف‌پذیر شهرها است.

پژوهش و توسعه در این حوزه، همچنین بر اهمیت تلفیق نظریه‌های فضا‌زمان با رویکردهای دینامیک و سیستم‌های پیچیده تاکید دارد، تا بتوان در قالب مدل‌های چندعاملی، فرآیندهای توسعه‌ای شهری را بهتر تحلیل و مدیریت کرد. در نتیجه، نظریه‌های فضا‌زمان و تعاملات انسانی-فضایی در شکل‌گیری نظریات جدید، نه تنها به فهم عمیق‌تری از ساختارهای فضایی-زمانی شهرها کمک می‌کنند، بلکه بستر مناسبی برای توسعه سیاست‌های نوین و طراحی‌های پویاتر در عرصه شهرسازی فراهم می‌سازند.

نظریه‌های خرد و کلان در حوزه توسعه راهکارهای مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری نقش‌های مکمل و نقطه‌نظرهای متفاوتی را در فرآیندهای شناختی و عملیاتی طراحی و مدیریت شهرها ایفا می‌کنند. هر کدام از این سطوح نظری با تمرکز بر ابعاد خاصی از سیستم‌های شهری، امکان تحلیل عمیق‌تر و توسعه راهبردهای مؤثر را فراهم می‌آورند، اما تفاوت‌های بنیادی در مفروضات، دامنه و رویکردهای آن‌ها وجود دارد که باید در طراحی و اجرای سیاست‌های شهری مد نظر قرار گیرد.

نظریه‌های خرد، به تحلیل و درک المان‌های جزئی و واحدهای سازنده در سیستم شهری می‌پردازند. این المان‌ها می‌تواند شامل رفتارهای فردی، فعالیت‌های محله‌ای، جریان‌های رفت و آمد، نوع کاربری‌های زمین، رویکردهای معماری و عناصر فنی و زیرساختی باشند. رویکردهای خرد معمولاً بر مطالعه نهادهای محلی، الگوهای رفتاری، و روابط نزدیک بین عناصر کوچک تمرکز دارند. کاربرد این نظریه‌ها در طراحی میدان‌های عمومی، خیابان‌ها، فضاهای محلی و ساماندهی خدمات عمومی از جهت جامع‌نگری و انعطاف‌پذیری بیشتر است، چرا که امکان اصلاح و تغییرات در سطوح کوچک به آسانی برقرار می‌شود و تاثیر آن‌ها در ساختار کلی شهری ناپایدار نیست. در موارد بحران‌های محلی، پروژه‌های توسعه منطقه‌ای و برنامه‌ریزی‌های مشارکتی، تحلیل‌های خرد نقش ترکیبی و مؤثری ایفا می‌کنند، زیرا با تمرکز بر نیازهای روزمره، به بهبود کیفیت زندگی و افزایش کارایی عملیاتی کمک می‌کنند.

در مقابل، نظریه‌های کلان بر ساختارهای کلی و فرآیندهای بزرگ مقیاس تاکید دارند. این رویکردها بر تحلیل سیستم‌های شهری در سطح ملی و فراشهری، نواحی منطقه‌ای، و روندهای توسعه کلی تمرکز می‌کنند. نظریه‌های کلان معمولاً بر اصول عمومی شهرسازی، سیاست‌گذاری‌های پایه‌ای، برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، و الگوهای کلان جابه‌جایی

سرمایه و جمعیت تکیه دارند. این نوع نظریه‌ها با استفاده از مدل‌های پیش‌بینی، تحلیل روندهای سیاست‌گذاری، و بررسی ساختارهای قانونی و اقتصادی، راهکارهای راهبردی و بلندمدت ارائه می‌دهند که به اصلاحات نظام‌مند و هماهنگ‌سازی سیاست‌های توسعه در سطح ملی و منطقه‌ای منجر می‌شود. کاربردهای این رویکردها در طراحی شهرهای آینده، مدیریت منابع ملی، و اصلاح نظام‌های توزیع امکانات عمومی، راهکارهای راهبردی ونگرشی گسترده‌تر فراهم می‌آورند.

تفاوت اصلی بین نظریه‌های خرد و کلان، در سطح تحلیل و دامنه تاثیر است. نظریه‌های خرد بر جزئیات و عناصر محلی تمرکز داشته و قابلیت اصلاح و انعطاف‌پذیری بالایی در فرآیندهای طراحی دارد، در حالی که نظریه‌های کلان بر روندها و چارچوب‌های کلی متمرکز است و نقش راهبردی و سیاست‌گذاری گسترده‌تری در توسعه شهری ایفا می‌کند. در فرآیند برنامه‌ریزی جامع و تلفیقی، بهره‌گیری از هر دو رویکرد، فرصت تحلیل چندسطحی و یافتن راهکارهای متوازن و متناسب با نیازهای محلی و استراتژیک را فراهم می‌آورد، و مدیران و برنامه‌ریزان شهری باید ارزش این توازن را مد نظر قرار دهند. تامین هماهنگی موثر بین سطوح خرد و کلان، کلید تنظیم سیاست‌هایی است که بتوانند هم در سطح جزئیات عملیات موثری داشته باشند و هم در سیاست‌گذاری‌های راهبردی نقشی مؤثر ایفا کنند، زیرا تنها در این صورت است که راهکارهای مدون، پویاتر و سازگارتر با دینامیک‌های شهری به صورت همزمان طراحی و اجرا می‌شوند.